

افتتاح شعبه اقماری تامین اجتماعی در شر کت «ایران خودرو»

شعبه اقماری تامین اجتماعی در شرکت ایران‌خودرو با ۲۵ هزار نفر بیمه‌شده اصلی و مجموع ۵۰ هزار بیمه‌شده به بهره‌برداری رسید.
ناهدیدری، مدیرکل تامین اجتماعی غرب تهران بزرگ، در مراسم افتتاح این شعبه با بیان اینکه شعبه اقماری ایران‌خودرو تحت پوشش شعبه ۱۴ این اداره کل است، ارائه خدمات بیمه‌ای در محل کار را یکی از راهبردهای سازمان تامین اجتماعی برای ارتقای رضایتمندی دانست. وی با یادآوری اینکه شعبه‌های اقماری در مناطق محروم کم‌جمعیت و فاقد کارگاه‌های بیش از ۵ هزار مشمول ایجاد می‌شوند، اضافه کرد: «افزایش سرت ارائه خدمات بیمه‌ای، پرهیز از تردد درون‌شهری و افزایش رضایتمندی مخاطبان ازجمله اهداف احداث شعبه اقماری است.»

یکشنبه ● ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۶ ● شماره صد و سه

ا
ت
ی
۷
۶
۵
۴
۳
۲
۱
۰



مطالبات کارگری را فرصت بدانیم



در روزهای گذشته از خلال سخنرانی‌ها و برنامه‌های تبلیغاتی نامزد‌های دوره دوازدهم انتخابات ریاست جمهوری آنچه دستگیرمان شد نبود برنامه‌های مشخص در حوزه کار و کارگری و تأکید بر حوزه‌هایی بود که دارای پتانسیل بالایی در ایجاد پایگاه رای بود. با این حال حوزه کارگری از دولت آینده خواست‌ها و انتظاراتی دارد. به طور کلی جامعه کارگری در ایران نوعی کم اعتمادی به دولت‌مردان در تمام ادوار داشته و از همین رو ضروری است دولت آینده به این افشار که ۵۴ درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، توجه ویژه‌ای کند. چنین جمعیتی برای هر دولتی هم فرصت است و هم تهدید. فرصت از این حیث که دولت می‌تواند از پتانسیل حضور کارگران هم استفاده حاکمیتی کند و هم با مواجهه منطقی و درست با مسائل و نیازهای صنفی این افشار، نسبت به رفع مشکلات و گرفتاری‌های کشور اقدام کند. از آن سو نیز اگر دولت‌ها به این جامعه بی‌توجه باشندو مطالبات آنها را پیگیری نکنند، ممکن است بخش‌هایی از جامعه دگرگی به این نتیجه برسد که خود از مسیر اعتراض‌ها و اعتصاب‌های صنفی وارد گود مطالبه‌گری صنفی شود که طبیعتا هزینه‌های زیادی برای

ویاگوگ

پرسه‌ای در ایده‌ها و اندیشه‌ها

امنیت، معیشت و تشکلیابی کارگران در دولت آینده

امنیت شغلی آنها نیز محدود می‌شود. بنابراین رئیس جمهور و دولت آینده اگر می‌خواهند به مسائل کارگران رسیدگی کنند، باید به این سه مقوله به صورت هم‌زمان توجه کنند و سیاست‌ها و برنامه‌هایی در جهت ارتقای این شاخص‌ها عملیاتی سازند. به صورت ریزتر، در موضوع امنیت شغلی کارگران در ایران، ماده ۷ قانون کار را داریم که با سوءاستفاده‌ای که از تبصره ۲ آن صورت گرفته، قراردادهای موقت ترویج شده و حتی در کارهایی با ماهیت دائم، قراردادهایی یک‌ماهه یا دوماهه و سه‌ماهه با کارگران منعقد می‌شود و امنیت شغلی آنها به خطر می‌افتد. انتظار می‌رود دولت آینده ماهیت کارهای مستمر و غیرمستمر را تعریف کند و همان‌طور که در کشورهای مختلف برای کارهای موقت دوره زمانی تعیین می‌کنند، دولت آینده ایران نیز با توجه به ظرفیت‌هایی که در قانون کار فعلی وجود دارد، سقف زمانی را برای کارهای موقت مشخص و ابلاغ کند. در دولت یازدهم قدم‌هایی در زمینه امنیت شغلی کارگران برداشته شده و امیدواریم دولت آینده با همکاری تشکل‌های کارگری و کارفرمایانی این‌کار نیمه‌تمام را تمام کند. در خصوص

دولت‌ها به همراه خواهد آورد.»

دولت‌ها به همراه خواهد آورد.»
«امنیت شغلی» در صدر مطالبات کارگران از دولت دوازدهم قرار دارد. روایت کارگران از امنیت شغلی در عین حال با آنچه دولت مطرح می‌کند کاملاً متفوت است. علت این است که امنیت و عدم امنیت شغلی برای کارگران ملموس است و با آن زندگی می‌کنند. اگر دولت در پی ایجاد امنیت شغلی برای کارگران است، باید به فکر استخدام نیروی کار در قالب قراردادهای دائم کار باشد. قرارداد دائم که از حاکمیت اراده کارگر در عقد قرارداد صحبت می‌کند در تبصره ۲ ماده ۷ قانون کار در نظر گرفته شده و درحقیقت زمانی می‌توان از امنیت شغلی صحبت کرد که این حاکمیت اراده در عمل محقق شود. از همین منظر می‌توان گفت عادلانه شدن دستمزد و ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری به‌هیچ‌عنوان مفهوم پیدا نمی‌کند مگر اینکه امنیت شغلی کارگران محقق شود. در چنین حالتی است که تامین اجتماعی به‌عنوان نهادی بین‌نسلی معنا پیدا می‌کند. بنابراین باید اراده کارگران بر این اصل باشد که امنیت شغلی را به‌مثابه اصلی‌ترین مطالبه‌ای از دولت بخواهند و بابت آن زمان مشخص کنند. دولت هم باید مطالبات جامعه کارگری را سرلوحه خود قرار دهد، در غیر این صورت مطالبات این جامعه ۵۰ درصدی ممکن است به چالش‌ی برای دولت آینده تبدیل شود.

عضو کانون عالی شوراهای اسلامی کار

دولت دوازدهم و مدیریت بحران صندوق‌ها

بحرانی جدی کشور تبدیل شده‌اند. بحرانی که به‌مراتب سخت‌تر و سهمگین‌تر از بحران‌هایی مانند آب و محیط‌زیست است و همان‌طور که تجربه کشورهای مختلف نشان داده، می‌تواند یک‌پارچگی نظام را به چالش بکشد. صندوق‌ها همان‌طور که کشورها را به پویایی می‌رسانند، این پتانسیل را هم دارند که در حوزه‌های مختلف ناپایداری ایجاد کنند. چپ‌سرا در هر کشوری که صندوق‌های بازنشستگی آن دچار مشکل شده‌اند، نظام سیاسی نیز از آسیب‌های آن مصون نمانده است. سال‌هاست کارشناسان حوزه رفاه و تامین اجتماعی فریاد می‌زنند که باید به موضوع صندوق‌ها پرداخته شود. تفاوتی ندارد دولت آینده از کدام تفکر و گرایش باشد، مهم آن است که دولت مسئله خود را با صندوق‌ها حل کند. صندوق‌ها با کسی تعارف ندارند. متأسفانه دولت دهم با همراهی برخی نمایندگان همسو قانونی رانصبوب کرد که به‌نهاد دولت اجازه نمی‌داد بدهی‌های خود را در قالب تهاژ دارایی به صندوق‌ها بازپرداخت کند. در واقع دولت و نمایندگان با استدلال‌های خاص خود صندوق‌ها را در شمار خصولتی‌ها قرار دادند و با همین جهت‌گیری خلق الساعه اجازه ندادند که واگذاری شرکت‌ها و کارخانه‌های دولتی در ازای بدهی‌ها انجام بشود. بنابراین چاره‌ای نداریم جز اینکه صندوق‌های بازنشستگی را به اولویت دولت بعدی تبدیل کنیم. این موضوع در دولت یازدهم طرح و پذیرفته شده بود و برنامه‌هایی نیز در دستور کار قرار گرفته بود. از همین رو در دولت آینده به ریاست جمهوری

اهمیت بازنگری اساسی در سیاست‌های رفاهی

بدنه حاکمیت و سطح جامعه، دولت را در تنگنا قرار می‌دهند تا خدماتی را به جامعه و گروه‌های خاص عرضه کند. به طور مثال در هدفمندی یارانه‌ها کسی توجه نمی‌کند که آثار و عوارض تخصیص منابع چه فشارهایی را در سایر حوزه‌ها به جامعه تحمیل می‌کند و چپ‌سرا عوارض چنین سیاست‌هایی بسیار بیشتر از منفای باشد که گروه‌های خاص از آن بهره‌برده‌اند. این تصمیمات بیش از آنکه در فضایی کارشناسی اتخاذ شوند، بر اثر فشارهای سیاسی گرفته می‌شوند. حوزه رفاه و تامین اجتماعی ازجمله حوزه‌هایی است که مطالبات در آن بسیار بالاست. از انقلاب اسلامی به این سو، با توجه به ماهیت نظام سیاسی ایران که حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر در آن پررنگ بوده، تمام دولت‌ها اقدام‌هایی حمایتی را البته و معمولاً بدون برنامه‌ریزی دقیق و سیاست‌هایی اصولی در حوزه رفاه و تامین اجتماعی انجام داده‌اند که اثربخشی لازم را نداشته‌اند. قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی برای ساماندهی به همین سیاست‌ها تدوین و تصویب شد که البته خیلی زود به محاق رفت. تصور این است که دولت در حوزه رفاه و تامین اجتماعی



کتیو | ۰۵

تامین معیشت کارگران، که موضوع ماده ۴۱ قانون کار است، در دولت یازدهم تعیین دستمزد بر اساس سبد معیشت به توافق گروه‌های اجتماعی رسید و قرار است در چهار پنج سال آینده این سبد تامین شود. نظر گروه‌های کارگری بر ادامه همین روند است تا شکاف هزینه و دستمزد نیروهای کار جبران شود. در موضوع تشکلیابی، موضوع قدری متفاوت است و نیاز به اصلاح برخی مواد قانونی احساس می‌شود. در ایران تشکل‌ها در قالب سه شکل قانونی ساماندهی می‌شوند که قدری محدودکننده است و باید بر اساس مقاوله‌نامه‌های بین‌المللی کارگران از آزادی عمل لازم برای تأسیس تشکل‌های کارگری بر اساس نیازهای خود برخوردار باشند. از آن سو نیز دخالت‌هایی که دولت در امور تشکل‌ها با استناد به آئین نامه‌ها و دستورالعمل‌ها می‌کند، باید در دولت دوازدهم به حداقل برسد. نکته بسیار ضروری این است که دولت به‌عنوان مقام مجری ایجاد تشکل‌ها ایفای نقش نکند و صرفاً مرجعی برای ثبت این گونه نهادهای مدنی باشد.

عضو هیئت‌مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کار

ثبات سیاست‌های علمی، ضامن خروج صندوق‌ها از بحران

آینده تأکید دارند و معتقدند برخی روندهای گذشته در چهار سال آتی باید تغییر کند. حداقل چیزی که از رئیس‌جمهور آینده در حوزه صندوق‌های بازنشستگی انتظار می‌رود، اجماع بر سر نقشه راه و برنامه‌ای مدون برای خروج صندوق‌ها از فاز بحران و ورود به دوران رونق آنها از سال ۱۴۰۰ به بعد است. بنابراین انتظار می‌رود دولت با تعامل و رایزنی کارشناسی با متخصصان و صاحب‌نظران حوزه رفاه و تامین اجتماعی و استفاده از نظرات و دیدگاه‌های آنها، گام‌های حداقلی را در مسیر بهبود وضع صندوق‌های بازنشستگی بردارد. ضمن اینکه دولت یازدهم و تیم برنامه‌ریزی آن شناخت نسبتاً کاملی از این حوزه و متغیرهای آن دارند و در تمام چهار سال گذشته نیز با سیاست‌هایی که پیشه کردند و با پرهیز از نگاه سیاسی و شعارمحور به صندوق‌ها، از عمیق‌تر شدن دامنه بحران جلوگیری کردند. از ثبات درسیاست‌های مرتبط با صندوق‌ها و اجتناب از اصلاحات شتاب‌ده در آنها هستیم، درغیراین صورت بعید نیست بحران صندوق‌ها که بحران خاموش شناخته می‌شود، دامنه‌دارتر شود. برعکس بتواند اوم نگاه‌های و کارشناسی این امید وجود دارد که بحران صندوق‌های بازنشستگی در چهار سال پیش رو کنترل و مدیریت شود.

عضو هیئت‌علمی دانشگاه

حسن روحانی، می‌توان امیدوار بود با اجرای طرح‌ها و برنامه‌های چهار سال گذشته، وضع صندوق‌ها بهبود یابد. قطعاً اگر این بدهی‌ها را در مقابل مطالبات سایر بخش‌ها مانند بانک‌ها، کارفرمایان و... قرار دهیم، با عدد بزرگی روبه‌رو می‌شویم که بودجه سالانه کشور جلوبوگی آن نیست. بنابراین انتظار می‌رود با همی افی‌الاهم کردن مسائل، موضوع صندوق‌ها به نحو شایسته‌تری مدیریت شود. موضوع دیگر حمایت از بازار اشتغال است که آن نیز وابسته به حمایت از بازار تولید است. اگر کارفرمایان در سرمایه‌گذاری احساس امنیت کنند، به طور قطع می‌توان به زایش نیروی انسانی و گسترش پوشش بیمه‌های اجتماعی امید داشت. در این صورت است که پنهان کردن یا زیرپله‌ای کردن اشتغال‌ها را مناسبات تولید کنار می‌رود و نیروی کار نیز به شغل‌هایی که به آنها نیاز دارند دست پیدا می‌کنند. در شرایطی که بازار کار و اشتغال رونق کافی نداشته باشد، آنچه مغیوب می‌ماند گسترش پوشش بیمه اجتماعی برای ضعیف‌ترین افشار جامعه است که در فضای بی‌ثباتی به آینده ونسل‌های بعد نیز تسری خواهد یافت و کشور را دچار خسران می‌کند. در مجموع کشور در شرایط بسیار پیچیده و خاصی قرار دارد که هرگونه بی‌تدبیری و کم‌خردی در حل و مدیریت مسائل، خسارت‌های جبران‌ناپذیری به همراه می‌آورد و به همین جهت دولت آینده باید به این قبیل مسائل عنایت لازم را نشان دهد.

کارشناس تامین اجتماعی

نخ‌نما شده حل شوند. دولت باید صادقانه ساختار و بستر را تغییر دهد و به مردم بگوید شرایط به گونه‌ای نیست که کشور طی چهار سال به مدینه فاضله تبدیل شود و به همه نیازهای رفاهی آنها پاسخ داده شود. دولت آینده باید سازوکاری برای کاهش هزینه‌های خود ایجاد کند. اعتماد عمومی را جلب کند. سرمایه‌های اجتماعی را تقویت کند و به مردم بگوید با توجه به امکانات و محدودیت منابع لازم است در هزینه‌کردها برای نیازهای رفاهی اولویت قائل شوند تا حوزه‌های بحرانی کشور، که صندوق‌های بازنشستگی هم یکی از آنها هستند، تبدیل به فاجعه ملی شوند.

قطعاً باید از امکانات موجود بیشترین استفاده را ببرد و از هزرفت منابع جلوگیری کند. بهر موری را در نهادهای مرتبط با حوزه نهادهای بیمه‌های اجتماعی افزایش دهد و در این مسیر نیز فرصت کافی به کارشناسان و محققانی که سال‌ها در این حوزه مطالعه و تحقیق کرده‌اند بدهد تا با مشارکت و استفاده از طرح‌ها و دیدگاه‌های آنها وضع رفاهی کشور نیز ارتقا یابد.

عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی



تغییر رویکرد در مان محوری به بیمه محوری

برای بحث درباره اولویت‌های حوزه رفاه و تامین اجتماعی در چهار سال آینده و انتظارات از دولت آینده ابتدا باید پیشینه‌ای از موضوع در اختیار داشت.

به‌ویژه آنکه اتفاقاتی که در دولت‌های گذشته رخ داد تأثیرات شگرفی بر حوزه رفاه و تامین اجتماعی بر جای گذاشت و در بلندمدت نیز خطری جدی برای صندوق‌های بازنشستگی به همراه دارد. به نظرم وضع صندوق‌های بازنشستگی مانند بلایی بود که بر سر دریاچه هورالعظیم آمد و دولت یازدهم وارث ریزگردهای آن شد. حوزه بازنشستگی اثرات بلندمدتی دارد که به‌راحتی نمی‌توان اثرات آن را در کوتاه‌مدت ارزیابی کرد. تا قبل از دولت نهم کلیه بدهی دولت به تامین اجتماعی حدود ۴ هزار میلیارد تومان بود اما تا پایان دولت دهم، مطالبات این سازمان رشدی سرسام‌آور را تجربه کرد که اگر به قیمت امروز معادل سازی شود، سونامی عظیمی را بر سازمان تامین اجتماعی تحمیل خواهد کرد. اولین انتظار از دولت‌مردان دوازدهم این است که اثرات تصمیماتی را که در دولت‌های نهم و دهم گرفته شده تحلیلی دقیق و واقع‌بینانه کنند تا مانند پدیده ریزگردها مردم را غافلگیر و گرفتار نکند.

بنابراین حوزه صندوق‌های بازنشستگی نیازمند تدابیری خاص است. بحران این نهادهای تهدیدی بالقوه برای آحاد جامعه است و به عبارتی شرایطی شبیه به اوضاع دریاچه ارومیه در اوایل دولت یازدهم دارند که اگر به‌موقع برای احیای آنها تدبیری اندیشیده نشود، شوره‌زاری را در اطراف پخش خواهند کرد که به‌راحتی جبران‌پذیر نیست. موضوع دیگر نوع نگاه به جایگاه صندوق‌های بازنشستگی در دستیابی به توسعه است. صندوق‌های بازنشستگی و تامین اجتماعی ضربه‌گیرهای توسعه شناخته می‌شوند اما متأسفانه نگاهی در میان لیبرال‌های اقتصادی به‌سرعت در حال گسترش است که سازمان تامین اجتماعی را یکی از موانع اصلی توسعه‌یافتگی قلمداد می‌کند. از همین رو انتظار می‌رود دولت به طور جدی بر چنین گفت‌وایی تجدیدنظر کند و نگاه تولید و کارمحور را بر نگاه سوداگرا نه غالب کند. این نکته البته درباره عرصه‌های سرمایه‌گذاری صندوق‌های بازنشستگی نیز صدق می‌کند و لازم است دولت به تفاوت‌ها و مرزهای این نهادهای با سایر بازیگران اقتصادی آگاه باشد و شرایط را برای فعالیت توانم با خلق ارزش‌افزوده بیشتر صندوق‌ها مهیا کند. موضوع دیگر نوع نگاه و رویکرد دولت به مقوله بهداشت و درمان است. با برنامه‌ریزی‌ها و منابع مالی زیادی که در حوزه بهداشت و درمان هزینه شد، تغییراتی چشمگیر ایجاد شد اما به نظر می‌رسد این روش در دولت دوازدهم به علت ناپایداری در منابع پیش‌بینی‌شده و... کارایی نداشته باشد. از همین رو ضروری است که دولت آینده قدری از توجه به مقوله درمان و درمان محوری به بیمه درمان تفسیر رویکرد دهد و به صندوق‌های بیمه‌ای به چشم صندوق توزیع پول نگاه نکند. بیمه‌های درمانی مکانیزم‌های تعریف‌شده و استاندارد دارند و در دولت آینده نیز تقویت نگاه تخصصی به بیمه‌ی یکی از کلیه‌ی‌ترین بازوهای کنترلی دولت و آحاد جامعه است. تغییر در سازوکارهای فعلی و ارتقای سطح بیمه درمان به دانش تخصصی نیاز دارد و لازم است متخصصان اقتصاد سلامت و بیمه‌ای به تصمیم‌گیری و مدیریت صندوق‌های بیمه درمان ورود پیدا کنند. نکته دیگر تجمع و هدایت بودجه به بیمه‌شدگان تامین اجتماعی است. لازم است سازوکاری فراهم شود تا تعهدات دولت به صورت جاری به سازمان تامین اجتماعی پرداخت و از انباشته شدن آنها جلوگیری شود. از آن سو نیز طبق برنامه ششم توسعه دولت هرساله باید ۱۰ درصد از بدهی‌های خود را به تامین اجتماعی پرداخت کند.

بنابراین ضروری است در آینده دو جریان کامل تقدینکی به سمت سازمان تامین اجتماعی سرازیر شود تا نگرانی‌ها بابت خشک شدن ذخایر این صندوق برطرف شود. مسئله دیگر اجتناب از نگاه سیاسی به صندوق‌های بازنشستگی است. سال‌هاست کارشناسان فریاد می‌زنند تامین اجتماعی منطقه‌ای سفید و بی‌طرف است و به‌هیچ‌عنوان نباید محل بدبستان‌ها و منازعات سیاسی و جناحی شود. این روبه باید در دولت آینده نیز بی‌گرفته شود و از آن سو نیز مدیرانی حرفه‌ای و آشنا به سازوکارهای بیمه‌ای و تعهدات بلندمدت در سر کار بیایند که این نهادهای پیچیده را از کارکردهای حیاتی خود باز ندارند و اهداف ترسیم‌شده برای صندوق‌ها را عملی سازند.

کارشناس حوزه رفاه و تامین اجتماعی